

چون ریش و قیچی در دست خود شورای نگهبان است نه دیگر نمایندگان. از مضادیک دیگر توجه ویژه رهبر فقید انقلاب به مجلس می‌توان به این موضوع اشاره کرد که نخستین راهکاری که برای حل اختلافات مجلس و شورای نگهبان اندیشید این بود که چنانچه دوسوم نمایندگان موافق بودند به قانون تبدیل شود و نیاز به تأیید مجلس نباشد و این ترجیح علنی عرف بر سنت به مذاق دبیر وقت شورا خوش نیامد که خود نماینده مرجعیت در ساختار حکومت هم شناخته می‌شد: آیت‌الله لطف‌الله صافی گلپایگانی داماد آیت‌الله گلپایگانی و بعد از آن بود که امام‌ایده «مصلحت» را در انداخت تا میان مجلس و سنت و مرجعیت فاصله نیفتد. این اشارات بدان سبب است تا بدینیم رابطه امام خمینی با مدرس تنها عاطفی یا از حیث وجوه سیاسی او یا به خاطر اجتهاد نبود بلکه او را به مثابه الگویی قرار داد که البته قصد نداشت به قالب او پیسنده کند و فراتر رفت. ویژگی‌های شخصیتی آیت‌الله مدرس هم طبعاً برای آیت‌الله خمینی جذاب بود و از جمله این سخن او: «خداوند دو چیز را به من نداد. یکی ترس و دیگری طمع. هر کس با مصالح ملی و امور مذهبی همراه باشد من نیز با او همراه خواهم بود.» مدرس البته نماینده مجلس شورای ملی بود و به‌رغم تصریح این عنوان در قانون اساسی ۱۳۵۸ رهبر فقید انقلاب ترجیح داد تعبیر «مجلس شورای اسلامی» را جایگزین کند و در اصلاحیه ۱۳۶۸ رسماً تغییر یافت اما به راه و رسم مدرس که مجلس را در رأس امور می‌خواست وفادار ماند و از این روست که گفته شد نام‌گذاری ۱۰ آذر به عنوان روز مجلس محل مناقشه نیست. درحالی‌که در امور دیگر همه متفق القول نیستند.

درست است که تاریخ پارلمانتاریسم در ایران نمایندگان پرآوازه دیگری چون دکتر محمد مصدق یا ملک‌الشعراى بهار را هم به خود دیده ولی هیچ‌ک مانند مدرس تنها با مجلس شناخته نمی‌شود خاصه مصدق که بیشتر در قامت نخست‌وزیر و رئیس دولت و رهبر نهضت ملی شدن صنعت نفت ایران در خاطرها ثبت شده حال آن که سال‌ها و نیز چون مدرس جامه نمایندگی و وکالت واقعی بر تن داشته و نطق‌ها و مواضع مصدق در مجلس کم از آن ۲۸ ماه نخست‌وزیری نیست و از آن دو در مباحث پارلمانی کنار هم یاد می‌شود ولو در بعضی امور طبعاً اختلاف‌نظر داشتند.

در بسط برخی از نکاتی که آمد می‌توان به این موارد هم پرداخت:

۱ از جملات مشهور منتسب به مرحوم مدرس این عبارت است: دیانت ما عین سیاست ما و سیاست عین دیانت

از این نقل بیشتر با هدف بطلان ایده جدایی دین از سیاست استفاده می‌شود. حال آن که باید توجه داشت که مدرس نخستین کسی نیست که این سخن را گفته و در واقع از دیگری نقل کرده‌و آن هم حکایت جالبی دارد که روایت آن خالی از لطف نیست.

گفته می‌شود مدرس آن را اول بار از زبان میرزا علی‌اکبر شیخ‌الاسلام نماینده اصهبان در جریان ارائه ماده واحده به چهارمین دوره مجلس شورای ملی شنید که رضاخان سردار سپه از مجلس خواست تا مبلغ ۶۷۱ هزار و ۶۰۰ فرانک فرانسه برای تأمین مخارج تحصیل یک‌ساله ۶۰ محصل نظامی ایرانی برای سفر به اروپا و مبلغ ۱۸ هزار تومان برای تأمین مخارج همان نفرت برای سفر به فرانسه به وزارت جنگ اختصاص یابد و آن نماینده در دفاع آن عبارت را به کار برد و شرح آن نوشتار حاضر را مظلوم‌تر می‌کند.

مدرس اما کجا به کار برد؟ یک سال بعد و در نشست ۱۹ خرداد ۱۳۰۲ همان دوره چهارم و در جلسه استیضاح مستوفی‌الممالک که گفت: «... من هیچ تقصیری بر آقائی ندارم. فقط قصوری می‌دانم. تقصیر قائل نیستم. ایشان استعداد منع نداد و ما نمی‌خواهیم یک نخست‌وزیری داشته باشیم که وقتی یک خارجی بآید داخلی از او چیزی بخواهد، این مانع نشود. ... آقاماند شمشیر مرصع است که باید در روزهای بزم و ایام سلام به کمر بست ولی قوام‌السلطنه مانند شمشیر فولادی و پرنده است که در جنگ به کار می‌آید. مملکت در این روزها احتیاج به شمشیر بردن فولادی دارد، نه شمشیر جواهرنشان. ... منشأ سیاست مادیت‌ناست. ما نسبت به ذؤل دنیا دوست هستیم، چه همسایه چه غیر همسایه، چه جنوب چه شمال، چه شرق چه غرب و هر کسی متعرض ما بشود، متعرض آن می‌شویم. هر چه باشد، هر که باشد، به قدری که از ما نر می‌آید و ساخته است. من همین مذاکره را با مرحوم صدر اعظم شهید عثمانی -محمد طلعت مشهور به طلعت پاشا- کردم. گفتم که اگر یک کسی از سر حد ایران بدون اجازه دولت ایران پایش را بگذارد در ایران و ما قدرت داشته باشیم، او را با تیر می‌زنیم و هیچ نمی‌بینیم که کاره پوستی سرش است اما عمله پاشا، بعد که گلوله خورد دست که کتم ببینم ختنه شده است یا نه. اگر ختنه شده است، بر او نماز می‌کنم و او را دفن می‌نمایم و الا که هیچ پس هیچ فرق نمی‌کند. دیانت ما عین سیاست ما هست.

سیاست ما عین دیانت ماست.»

نطق مدرس اثر گذاشت و به استعفاى مستوفی‌الممالک انجامید و بعد از آن البته مشغیرالدوله تنها چند ماه صدر اعظم بود چون رضاخان سردار سپه در سوم آبان ۱۳۰۲ با فرمان احمدشاه قاجار رئیس‌الوزرای ایران شد و دو سال بعد مجلس شورای ملی به انقراض سلسله قاجار و آغاز سلطنت پهلوی رأی داد و همان نقش مدرس در مخالفت با جمهوریست رضاخان را به شکلی دیگر مصدق در مخالفت با سلطنت او و البته با استدلالی همه‌کس‌پسند ابراز کرد. این که رضاخان مطابق قانون اساسی مشروطه پادشاهی مسئول باشد به ماقبل از مشروطه بازگشته‌ایم و اگر غیر مسؤول کارهای دوران نخست‌وزیری ادامه نخواهد یافت.

۲ از رفتارهای بسیار قابل تأمل مدرس در مجلس که نشان‌دهنده سیاست‌ورزی او و مخالفت با حذف رجال سیاسی است و باید به مدعیان پیروی از او در جناح اقتدارگرا و تمامیت‌خواه کنونی یادآوری شود نوع مواجهه به وثوق‌الدوله از همین منظر است. با این که مدرس شاخص‌ترین چهره در مخالفت با قرارداد ۱۹۱۹ بود و برای ابطال آن در نقطه مقابل عاقد قرارداد- وثوق‌الدوله- قرار داشت و موفق هم شد اما وقتی سال‌ها بعد به عنوان وزیر عدلیه معرفی شد آن خاطرات را تکرار نکرد و این بار در قامت مدافع او ظاهر شد. اهمیت و شگفت‌آوری این رویکرد را هنگامی می‌یابیم که بدینیم دکتر محمد مصدق هم به اعتبار همان پیشینه نطق تدای علیه وثوق‌الدوله ایراد کرد. مدرس اما ضمن یادآوری مقابله با او در جریان قرارداد ۱۹۱۹ از این منظر دفاع کرد که نباید رجال را از گردونه سیاست حذف کنیم چون این قصه به وثوق‌الدوله محدود نمی‌ماند و سرراغ مصدق السلطنه و قوام‌السلطنه یا مشتشارالدوله و مستشار‌الممالک هم خواهند رفت. این آموزه را هم مدعیان پیروی از مدرس و حتی کسانی که در مجلس ذیل نام او فعالیت می‌کنند نادیده نگاشته‌اند چندان که ۱۷ سال قبل وقتی علی‌لاریجانی رئیس تازه مجلس شورای اسلامی در

آذر ۱۳۸۷ چهره‌های محذوف را به همایشی درباره مدرس دعوت کرد آماج حملات قرار گرفت و دو سال بعد در آن مجلس علیه مقامات سابق جمهوری اسلامی شعار دادند تا نشان دهند قصد ندارند به روند حذف خاتمه دهند و مدام در تنور آن می‌دمند.

۳ این که مرحوم مدرس در باره زنان و به تبع آن رأی آنان موضع منفی داشته جای انکار ندارد. ولی باید در نظر داشت از این منظر هم قابل تأمل و بررسی است که در نظامی که با الگو قرار دادن او بنا شد این وجه متروک شود و نشان می‌دهد زنان در یکصد سال گذشته در چالش مستمر همواره توانسته‌اند خواست خود را اقبول‌اند. از منطری واقع‌نگرانتر اما همان یادآوری گویاست که در فرانسه هم زنان در ۱۹۴۴ (یا ۱۳۲۳ خورشیدی) به حق رأی دست یافتند درحالی‌که مدرس در این گوشه دنیا ۷ سال قبل از آن سسوموم و خفه شده بود. مثال روشن‌تر حق رأی زنان در سوئیس است که در ۱۹۷۱ محقق شد و دو مثال فرانسه و سوئیس باید کافی باشد تا تاریخ را از جلو به عقب روایت نکنیم و با عینک امروز به تحولات دیروز ننگریم. با این حال برای آن‌که بدینیم حق رأی زنان به آسانی به دست نیامده و حتی مدرس با شرعی که از او آمد چه موضعی داشته نقل دیدگاه او ضرورت داشته و این که آیت‌الله خمینی اگر چه مدرس را الگوی سیاست‌ورزی خود قرار داد ولی در این قفزه به او اقتدا نکرد. حال ببینیم مدرس (در مجلس دوم) چه گفته و البته به جای خشم و ناسزا نکتته قبل و مثال فرانسه و سوئیس را هم فراموش نکنیم: در بّز و بحر اتفاق افتاده بود برای بنده، ولی امروز بدنبم به لرزه درآمد... از روی برهان باید صحبت کرد، و برهان این است که امروز ما هرچه تأمل می‌کنیم می‌بینیم خداوند قابلیت در زنان قرار نداده است، که لیاقت حق انتخاب را داشته باشند. مستضعین و مستضعفات، و آن‌ها از انان از آن نمره اشمار اند، که عقول آن‌ها استعداد ندارد، در تحت قیمومت رجال هستند، الزّجال قوامون علی النساء و آن‌ها [کما] در تحت قیمومت‌اند این‌ها حق انتخاب نخواهند داشت. دیگران باید حفظ حقوق آن‌ها را بکنند که خداوند هم در قرآن می‌فرماید در تحت قیمومت‌اند و حق انتخاب نخواهند داشت، هم ادر امورا دینی و هم ادر امورا دنیوی. این مسأله‌ای بود که اجمالاً عرض شد.»

شاید به خاطر همین نطق بود که خانم طاهره صفارزاده در ترجمه قرآن کوشید به شیوه خود مشکل را حل کند و در ابتدای که هیچ ساقیه و قرینهای نداشت «الرجال قوامون علی النساء» و این گونه ترجمه کرد: مردان، سرپرست و پیشکار زنان‌اند! به مرور اما موضوع حل و حساسیت‌ها کاسته شد و البته چراغ آن را ۳۰ سال بعد از نطق مدرس، مصدق در دوران نخست‌وزیری روشن کرد. مصدق که با کوله‌باری از تجربه پارلمانتاریستی دولت تشکیل داده بود به جای آن که وقت خود را در همایش و افتتاحیه و سفر استانی و جلسات اداری بگذراند برای خود دو مأماریت قائل بود: اصلاح روند انتخابات و ملی کردن صنعت نفت و در اولی همان تجربه را به کار گرفت و قانونی ارائه داد که سفارت فرانسه در تهران در گزارش ۱۵ دی ۱۳۳۱ به وزارت خارجه دولت متبوع تصریح کرد: «طرح اصلاح (قانون) انتخابات که دکتر مصدق به آن قوت قانونی خواهد بخشید فرصتی برای کارزاری برای اعطای حق رأی به زنان، امری که در ایران کاملاً تازه است. در واقع در این کشور فمینیسم هنوز دوران کودکی خود را می‌گذراند.» این اشارات برای آن است که بدینیم مصدق هم در موضع وکیل مجلس و در سال اولیه ۱۳۰۰ تا ۱۳۰۵ نمی‌توانست دنبال حق رأی زنان باشد و علیه مدرس موضع نگرفت و ۳۰ سال بعد در مقام رئیس دولت پی‌گیر بود. ۱۰ سال پس از آن البته شاه اصرار داشت که این راه هم در قالب اصلی از اصول انقلاب سفید به حساب خود بگذارد.

۴ از تصمیمات مهم مدرس در دوران فعالیت سیاسی که البته در تبلیغات رسمی در جمهوری اسلامی کمتر به آن پرداخته می‌شود تشکیل دولت مستقل ملی یا دولت در تبعید و استقرار در کرمانشاه و سپس مهاجرت به اسلامبول یا استانبول است درحالی‌که عثمانی با آلمان متحد شده بود و گفته می‌شود آلمان‌ها به این دولت در تبعید یا مهاجران کمک می‌کردند. مدرس رئیس مهاجران ایرانی و وزیر عدلیه و اوقاف این دولت بود و مورد احترام طلعت پاشا و انور پاشا صدر اعظم و وزیر متنفذ عثمانی. با این همه به خاطر مقابله با متفقین اشغال گرت آلت دست آنان نشد بلکه می‌خواست کمک بگیرد تا کشور و احمدشاه را نجات دهد و اگر جز این رفتار کرده بود روی بازگشت نداشت حال آن که می‌دانیم روس و انگلیس پیروز شدند و آلمان شکست خورد و عثمانی فروپاشید اما مدرس به تهران بازگشت و در مدرسه سپهسالار درس گفت و تا مجلس باز شد با رأی مردم تهران به مجلس بازگشت و کردی بر سر دامن او نشستند. درصدد انکار و نفی هم نبود چندان که در دفاع از نصرت‌الدوله فیروز که متهم شد از بیگانه پول گرفته گفت: من و حضرت والا (اسلیمان میرزا) مهاجرت کردیم به نیت خوب اما مدد نداشت. خدا شاهد است بایک عقیده صاف و پاک به دولت و ملت رفتم تا چیزی برای ملت بیآورم اما انشد. او به مجلس بازگشت و در برزنگاهای حساس انتخاب رضاخان سردار سپه به رئیس‌الوزایی و سپس قصد اعلام جمهوری و در پی آن انتقال سلطنت به او نماینده بود و شرح نطق و مواضع او فراتر از این نوشته است. سخت‌ترین دوران برای او شاید سال ۱۳۰۷ تا ۱۳۱۶ باشد که دور از قیل و قال پایتخت و در تبعید باید روزگار می‌گذراند و ترجیح حوزه تازه تأسیس قم هم این بود که با دستگاه در نیفتد و وارد سیاست نشود حال آن که درون حوزه مردی می‌باید که دل در گرو مدرس داده بود و ۴۰ سال بعد انقلابی در انداخت و مشروطه بازگشته‌ایم و اگر غیر مسؤول از نام نیک سیدحسن مدرس یک نام نیکوی دیگر هم در حاشیه باقی ماند و آن سرهنگ اقتداری رئیس شهربانی کاشمر بود که وقتی تلگراف رمز با امضای سرهنگ و قار از تهران رسید نخواست و نتوانست مجری فرمان قتل باشد و نقش حاجب‌الدوله در قتل امیرکبیر را ایفا کند و از منصب کناره گرفت و محمود مستوفیان نامی بر جای او نشستند تا اتفاق نه مامور به خانه سید بیرون داد و چای سسوموم کار را تمام کنند. مدرس اما تنها لبی تر کرد و باقی استکان چای را نوشید و بر آن شدند او را خفه کنند و مرگ مدرس خودنمادی دیگر از خفقتی شد که بر تمام کارهای عمرانی رضا شاه سایه انداخت و چهار سال بعد وقتی به تبعید می‌رفت کسی حسرت نمی‌خورد.

بی‌شک اگر مدرس مانده بود او هم مانند مصدق به پارلمان بازمی‌گشت ولی مگر برای خود مصدق در پایان چه باقی ماند جز دریغی که هر سال با ۲۸ مرداد تازه می‌شود؟

دریغ امروز و ۸۹ سال پس از قتل سیدحسن مدرس در کاشمر یا ۴۷ سال بعد از انقلابی که نام او را زنده کرد و همواره به عنوان الگو و شاخص معرفی شده اما این است که باید فانوس برداریم و در پارلمانی که به خاطر یادآوری نام او به بهارستان بازگشته دنبال مدرس بگردیم.

تیتریک

HEADLINE ONE

۲

گزارش یک



عکس: ایرنا

سفر هاکان فیدان و سعود بن محمد الساطی معاون وزیر خارجه عربستان

پیام‌های منطقه‌ای به ایران

ایران و عربستان روی میز قرار دارند. علاوه بر این پرونده‌های منطقه‌ای، ایران و عربستان به‌رغم تمام دست‌اندازها و تحولات، در مسیر بهبود روابط حرکت می‌کنند. ترکیه نیز به‌رغم تمام رقابت‌هایی که با ایران دارد، علاوه بر همکاری‌های اقتصادی به خصوص در حوزه انرژی، دارای دغدغه‌ها و درگیری‌های مشترکی با تهران است. ترکیه به عنوان عضو ناتو و عربستان به‌عنوان متحد اصلی غیرناتوی آمریکا در خاورمیانه، هر دو روابط تنگاتنگی با ایالات متحده دارند.

▼ ایران و ترکیه کشورهای دوست و برادر هستند

عراقچی در نشست مشترک با همتای ترک خود، ضمن ابراز خرسندی از میزبانی فیدان در تهران، درباره روابط دو کشور گفت: «ایران و ترکیه تنها دو کشور همسایه نیستند، بلکه دو کشور دوست و برادر با اشتراکات تاریخی، دینی و فرهنگی بسیار عمیق‌اند. مرزهای ما قرن‌هاست که مرزهای صلح و دوستی بوده است. سال جاری میلادی نیز به‌عنوان سال فرهنگی ایران و ترکیه نام‌گذاری شده و تاکنون شاهد برگزاری برخی برنامه‌های ارزشمند به این مناسبت بوده‌ایم.» او با اشاره به اینکه در مذاکرات دو جانبه، مقدمات برگزاری نهمین نشست شورای

گروه خبر: تهران در روزی که گذشت، میزبان دو دیپلمات بلندپایه از ترکیه و عربستان سعودی بود. **هاکان فیدان، وزیر خارجه ترکیه** در صدر هیئتی سیاسی به تهران آمد و در محل وزارت امور خارجه ضمن انجام گفت‌وگوهایی دو جانبه، کنفرانس خبری مشترکی با **سیدعباس عراقچی، وزیر امور خارجه ایران** داشت. فیدان همچنین با **مسعود یزشکیان، رئیس جمهور، محمدباقر قالیباف، رئیس مجلس و علی لاریجانی، دبیر شورای عالی امنیت ملی** نیز دیدار و گفت‌وگو کرد. علاوه بر گفت‌وگوها میان دو هیئت سیاسی، یک دیدار خصوصی نیز میان فیدان و عراقچی برگزار شد. پیش از هاکان فیدان، **سعود بن محمدالساطی، معاون سیاسی دستگاه دیپلماسی عربستان** وارد تهران شد و در محل وزارت امور خارجه با عراقچی دیدار کرد.

وزارت خارجه در توضیح علت هر دو سفر اعلام کرده بود که دیپلمات‌های ارشد عربستان و ترکیه، در ادامه رایزنی‌های سیاسی و سیاست‌همسایگی، برای رایزنی در خصوص روابط دو جانبه، تحولات و پرونده‌های منطقه‌به‌تهران می‌آیند. موضوعات سوریه، فلسطین، اسرائیل پرونده‌هایی مجزا اما مشترک میان ایران، ترکیه و عربستان است. دو پرونده لبنان و یمن هم پرونده‌هایی هستند که میان

انتقاد شدید حبیب کاشانی از وضعیت آلودگی هوا:

چالش استعاراه بیندازید

گروه خبر: «با استاندارد تهران تماس گرفتیم و گفت تمام ۲۳ دستگاه موظف در قانون هوای پاک گفته‌اند که مسا وظایف خود را انجام داده‌ایم. من فکر می‌کنم مردم وظیفه خود را انجام نمی‌دهند. مردم نباید نفس بکشند اما نفس می‌کشند. می‌گویند نفس نکشید، بیرون نیایید. در این کشور دادن آمار غلط و نادرست باب شده است. اگر همه اینها کارشان را درست انجام داده‌اند پس چه کسی مقصر است؟ باید قوه قضائیه وارد شود تا مشخص شود که چه کسی آمار غلط می‌دهد. آدم گریه‌اش می‌گیرد برای مردم.» این بخشی از سخنان **حبیب کاشانی، عضو شورای شهر تهران** است که روز گذشته در صحن علنی مطرح کرد. او با بیان اینکه وقتی می‌گوییم مردم در خانه به‌مانندوالله انسانی نیست، در خواست‌مهمی را مطرح کرد: «اگر کسی وظیفه خود را درست انجام نداده در هر حوزه‌ای استعفا دهد. یک مرد پیدا شود چالش استعفا به راه بیندازد. در لحظه مردن می‌خواهیم به صندلی بچسبیم و مستنویلت را در دست ندهیم؟ به چه قیمتی که حمل بر ناتوانی دینی بکنند؟ برای همه ما خجالت دارد. عملکرد ما در بحث آب، برق، گاز و آلودگی هوا این است.» او درباره اتوبوس‌های فعال در خطوط اتوبوسرانی تأکید کرد: «خبر از خط گرفتیم ۱۵۵۰ اتوبوس که ۵۸۶ اتوبوس اجاره‌ای است در خط کار می‌کند.» روز گذشته آلودگی‌های یکی از موضوعات مهمی بود که اعضای شورای شهر تهران به آن پرداختند. **مهدی پیرهادی، رئیس کمیسیون سلامت، محیط‌زیست و خدمات شهری شورای شهر تهران** گفت: «به اعتقاد من رئیس‌جمهور باید متولی اجرای قانون هوای پاک شود. چرا رئیس شورای شهر تهران دو بار وزیر نیرو را دعوت کرده و ایشان در شورای شهر حضور پیدا نکرده است؟ یعنی برای نمایندگان مردم شهر تهران - که این همه دغدغه دارند- هیچ احترامی قائل نبودند؟ شمایی خواهید یک مدیر شهر تهران یا رئیس اداره را دعوت کنید؟ وزیر به حرف ما گوش نمی‌دهد بعد می‌خواهید یک مدیر را بیارید که بگوید مصوبات و اسناد بالادستی وجود دارد من کارهای نیستم. اگر رئیس‌جمهور متولی اجرای قانون هوای پاک باشد، وزیر اناچارند به او گوش دهند. من هم ابتدا از رئیس‌جمهور مطالبه دارم و سپس از مجلس. مجلس این اختیار را دارد که از وزرا سؤال بپرسد و کمیسیون اصل ۹۰ باید ورود کند. می‌گویند شورای شهر باید ورود کند؛ اما شورای شهر چه ابزاری در اختیار دارد که بتواند وزیر را مورد سؤال قرار دهد یا او را ملزم به پاسخ‌گویی کند؟ آقای آژهای، پیگیری کنید. کسانی که ترک فعل کرده‌اند باید محاکمه شوند.» **مهدی چمران، رئیس شورای شهر تهران** در این زمان گفت: «این جامحل سخنرانی نیست، هر سخنی جای خودش را دارد. رئیس‌جمهور تمام شد، نام آقای آژهای و قالیباف را مطرح می‌کنید؟» پیرهادی گفت: «آنها به حرف شما گوش نمی‌دهند.» چمران با تحکیم پاسخ داد: «غلط می‌کنند که گوش ندهند. حرف شورای شهر حرف مردم است و همه باید گوش کنند. قانون اساسی تصریح دارد استانداران، فرمانداران و بخشداران موظف‌اند مصوبات شورا را به اجرا بگذارند. این، نص صریح قانون

گزارش دو